

ساموئل بکت، نویسنده فرانسوی ایرلندی الاصل؛ در سال ۱۹۰۶ در دوبلین ایرلند در خانواده‌ای متوسط و مذهبی به دنیا آمد. وی از دوران دبیرستان علاقه‌اش را به تئاتر و به زبان فرانسه بروز داد. او به نمایشنامه‌های جان میلینگتون سینگ (۱۸۷۱ - ۱۹۰۹)، شاعر و نمایشنامه‌نویس نامدار ایرلندی، گرایش داشت. ابتدا تحصیلاتش را در کالج تئلیت^۱ دابلین در رشته ادبیات فرانسه و ایتالیا ادامه داد و پس از دریافت لیسانس در سال ۱۹۲۷ به‌عنوان مدرس مبادله‌ای به دانشکده‌ای در پاریس عزیمت کرد و دو سال در آنجا به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. در همین دوره با جیمز جویس، نویسنده مطرح ایرلندی مقیم پاریس، دوست شد و مدتی منشیگری او را کرد.

ساموئل بکت ابتدا با شعر سرودن مطرح شد و بعد از حضور در نهضت مقاومت فرانسه و مبارزه علیه نازی‌ها به داستان‌نویسی روی آورد. داستان *وات*^۲ را در این دوره نوشت. آثار

مطرح بکت بعد از داستان *مالون می‌میرد*، در *انتظار گودو* (۱۹۵۳)، *پایان بازی* (۱۹۵۷)، *بازی بی‌حرف* (۱۹۵۷)، *برای همه افتادگان*^۳ (۱۹۵۷)، *آخرین نوار کراپ*، *خمیره‌ها* (۱۹۵۸)، *چه روزهای خوشی* (۱۹۶۱)، *آمد و رفت* (۱۹۶۶)، *کلام و موسیقی* ۱۵ (۱۹۶۲)، *بازی* (۱۹۶۴)، *آه جو* (۱۹۶۶)، *چرکنویس برای نمایش* (۱) و (۲) (۱۹۵۰)، نوشته و ۱۹۷۶ منتشر شد. *صدای پا* (۱۹۷۵)، *بناهم‌سرایی برای اوهایو*^۴ (۱۹۸۱)، *لالایی* (۱۹۸۰)، *چی کجا* (۱۹۸۳)، *فاجعه* (۱۹۸۲) آثار نمایشی ساموئل بکت هستند. ظاهراً همه آثار بکت به زبان فارسی ترجمه شده‌اند.

نمایش «چند قطعه نمایشی»، به کارگردانی علی‌اکبر علیزاد در سالن اصلی تالار مولوی روی صحنه رفت. علی‌اکبر علیزاد سال‌هاست در متون ترجمه و نگارش و تدریس در دانشگاه، علاقه‌اش را به تئاتر آوانگارد و ایزوردیست‌ها نشان داده

است و این گرایش ذهنی و علمی مداوم قطعاً در دریافت و اجرای آثار این گونه تئاتر و یا به قولی ضد تئاتر مؤثر است. اما از این حقیقت نمی‌توان گریخت که اجرای آثار ایزوردیست‌ها، مخصوصاً آثار ساموئل بکت، از سخت‌ترین اجراهای تئاتری محسوب می‌شود؛ زیرا اگر بازیگران با لحن و حرکت و فیزیک خود، و طراحان لباس و نور با طراحی‌های مناسب و درخور، و کارگردان با هماهنگی این عوامل و میزانشن‌های بدیع نتوانند به مفاهیم عمیق و اتمسفر ضروری این گونه آثار برسند اجرا از دست رفته است. کما اینکه در بعضی از وجوه اجرایی و در بعضی از قسمت‌های اجرای علیزاد این اتفاق رخ داد.

علی‌اکبر علیزاد قطعات نمایش «صدای پا»، «قطعه‌ای برای تئاتر»، «آمد و رفت» و «فاجعه» را در کنار هم به اجرا درآورد. آثار بکت شرایط مشابه و دهشتناک بشری را بی‌هیچ اغمازی به تصویر می‌کشد و همان‌گونه که می‌توان آثاری مثل «در انتظار گودو» و «آخر بازی» را در یک مجموعه نمایشی به اجرا درآورد می‌توان «برای همه افتادگان» و «چه روزهای خوشی» را نیز باهم به نمایش گذاشت و این تشابه مفاهیم مشترک اما اشکال گوناگون و زوایای متفاوت بکت، بیوند درونی هم‌نشین و دلچسبی بین آثارش ایجاد کرده است که در قطعات نمایشی مورد انتخاب علی‌اکبر علیزاد نیز دیده می‌شود.

چرکنویسی برای نمایش

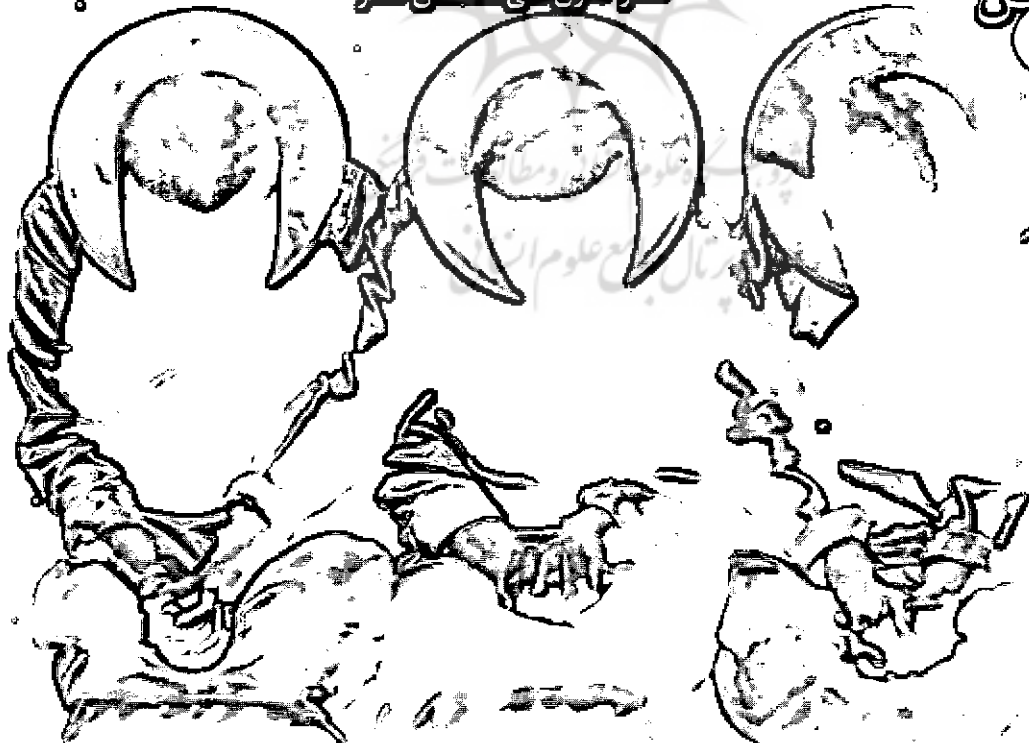
نگاهی به نمایش «چند قطعه نمایشی» اثر بکت به کارگردانی

علی‌اکبر علیزاد

علی رضا احمدزاده

عضو کانون ملی منتقدان تئاتر

تئاتر و هنر



داشت و فقط با چرکنویسی برای اجرا مواجه خواهیم شد که شدیم.



است اما در بُعد دیگر آدم‌های ناقص و نیمه‌ای را می‌بینیم که شاید با دیگری کامل شوند. اینجا «الف» کور است و «ب» چلاق. این دو ضعف‌های همدیگر را پوشش می‌دهند حتی دیالوگی با این مضمون دارند: «... فکر می‌کنی ما باهم جور بشیم. حالا که داری کم کم منو می‌شناسی؟» انسان افلیج نمایش سعی دارد انسان‌ها را چون مسیح ترسیم کند موجودی که کتک می‌خورد، اما خوبی می‌کند. تعریف این افلیج فرصت‌طلب از انسان این است تعریفی که منفعت‌طلبی و خودخواهی در آن موج می‌زند.

این اتفاقات - درگیری چلاق و کور - در گوشه خیابان و در میانه خرابه‌ای رخ می‌دهد. نور این صحنه در گفته چلاق که بنیاست نهفته است: «وہ... (به آسمان نگاهی می‌اندازد)... روز... آگه مایلی... البته خورشیدی در کار نیست و گرنه تو نمی‌پرسیدی...» و یا در جایی دیگر می‌گوید: «روز... شب... (نگاه می‌کند) بعضی وقت‌ها به نظرم میاد که زمین چسبناک شده، به روز بی‌نور و بی‌آفتاب. تو قلب زمستون، تو به غروب خاکستری...»

این همه اندوه منعکس در بی‌نوری روز، آفتاب سرد، غروبی، خاکستری در اثر علیزاد اما غایب است. علیزاد این صحنه را یکسره در نور قرار داده. نور قلب تپنده صحنه است و علیزاد نور را نمی‌شناسد.

اپیزود «آمد و رفت» سه زن با لباس‌های رنگی ساتن که در انعکاس نور جلوهای رؤیایی دارند یکسره با رنگ‌پردازی‌های نمایش‌های بکت بیگانه است. اگر صورت بازیگران همچون مردگان سفید می‌شد شاید رنگ‌های جذاب لباس‌هایشان معنایی غیر زمینی می‌یافت.

در اپیزود آخر «فاجعه» خلقت انسانی مسخ مطرح است و کارگردان در حال خلقت است انسان - بازیگر خلق شده، جدا افتاده، بر بلندای سکویی به ارتفاع هجده اینچ، جز نگاه خیره به روبه‌رو و در پایان مرگ چیزی برای زندگی‌اش ندارد.

این همه را در مجموع علیزاد با گروهش به نمایش می‌گذارند اما تأثیر آثار بکت باید آن قدر عمیق باشد که مخاطب در حین و بعد از اجرا، در خلسه‌ای متفاوت فرورود؛ اما این اتفاق نمی‌افتد و تلاش علیزاد در لحظاتی به بار می‌نشیند و در مجموع با گسیختگی و دقایقی آماتورسیم و دقایقی، عدم دریافت، به مخاطب منتقل می‌شود.

همان‌طور که اشاره رفت، تئاتر دشوار است و ضد تئاتر صدچندان و بکت در میان آوانگاردهای جهان یکه است و نگاهش به آدمی، نگاهی است که اگر با نگرش نیچه، هراکلیتوس، گریاس، سقراط، برکلی، وینگشتاین و کگارد و بحث اضطراب و انتظار تلفیق نشود حاصلی نخواهد

در قطعه نمایشی «صدای پا» چند ویژگی جسته وجود دارد. دستور صحنه این قطعه از ناب بکت با دقتی فوق‌العاده ترسیم شده است؛ قتی که موجد معنایی است اما این دستور صحنه توسط علیزاد به اجرا در نمی‌آید.

«... قطعه باریک: پایین و موازی یا جلوی صحنه، به طول نه قدم، عرض یک متر، کمی بر از مرکز در سمت راست تماشاگران. (بکت در نجا حتی نموداری از این وضعیت و میزانسنسیم می‌کند)

در این دستور صحنه گام برداشتن‌ها، چرخش‌ها، صدای پاها، نورپردازی و وضعیت پرده رانیز مشخص شده است. این عوامل اجرایی در فضا سازی تأثیری اساسی دارد. تلاش علیزاد در ایجاد این فضا گاه بفق و گاه نارساست. وجود مکت‌های فراوان در بخش در اجرا همچون سکوت در بین نت‌ها درستی اجرا می‌شود و تکرارهای کلامی در تارهای میزانسنی تأکید را می‌رساند.

در «قطعه‌های برای تئاتر» که بهتر بود چرکنویسی برای تئاتر ترجمه می‌شد بر خوردن افلیج با یک کور را می‌بینیم. در اصل اثر ت، پیرمرد گدای کور ویلن می‌نوازد اما در برای علیزاد با جوانی روبه‌رو هستیم که گیتار



بزند. در واقع نگاه بکت در این اثر همچون اکثر رش که دو شخصیت دارند مثل استراگون و دیمیر «در انتظار گودو» و یا لاکو و پوتزو همان اثر و یا هم و کلاو در «آخر بازی» و ونگ در همان نمایش و یا ویل و وینی در چه روزهای خوشی» و... به غیر از اینکه دیالوگ ایشی نیازمند حضور حداقل دو نفر روی صحنه

پی‌نوشت:

1. Samuel Beckett.
2. John Milington Synge.
3. Trinity Colledge.
4. James Joyce.
5. Watt.
6. Malon die.
7. Waiting for Godo.
8. Endgame.
9. Act without Words.
10. All that Fall.
11. Krapps Last Tape.
12. Embers.
13. Happy days.
14. Come and go.
15. Words and Music.
16. Play.
17. Enjoe.
18. Rough for Theatre.
19. Foot Falls.
20. Ohio Imprompty.
21. Rockaby.
22. What Where.